



Analysis of Three Contemporary Persian Stories in Stream Consciousness Style Based on the Cognitive Theory Named Text Worlds Theory

Saeede Alinoori¹, Azita Afrashi², Nazanin Amirarjmandi³, Aliasghar Soltani⁴

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities and Social, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: s.noyan2107@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Linguistics Department, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. E-mail: a.afrashi.ling@gmail.com
3. Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Azad Islamic University, Branch of Takistan, Qazvin, Iran. E-mail: n_arjmandi@yahoo.com
4. Associate Professor of Linguistics, Department of Foreign Language, Bagherololum Uiniversity, Qom, Iran. E-mail: a.soltani@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 07 Sept 2022

Received in revised form:
26 Oct 2022

Accepted: 02 Nov 2022

Available online: 22 June
2023

Keywords:

Text World theory,
sub-worlds,
functional advancing
proposition,
world-building elements,
stream of consciousness.

The text world theory is one of the theoretical frameworks in cognitive poetics studies which provides the context for the study of literary discourse through the analysis of conceptual structures. This theory was first presented by Paul Werth in 1999 and was mainly developed through the works of Gavins and Stockwell. The main problem of the current research is to explain some structures of this theory, i.e. world-building elements and propositions in the fluid style of the mind in three Persian stories, according to text world theory. by analyzing and comparing three stories in the mentioned format. This research tries to show how the structures of this theory work in creating space and moving between the spaces of the narrative text. For this purpose, the world-building elements including time, place, character and objects used in it, as well as functional advancing propositions and sub-worlds were analyzed. The findings of this research indicate that amount of functional advancing proposition of action-event which are actually more extensive are more noticeable. The sub worlds in the stories in the style of stream of consciousness are more of the type diectic than the attitudinal and epistemic sub worlds.

Cite this article: Alinoori, S., Afrashi, A., Arjmandi, A., & Soltani, A. (2023). Analysis of Three Contemporary Persian Stories in Stream Consciousness Style Based on the Cognitive Theory Named Text Worlds Theory. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (2), 35-57.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.8221.1659



تحلیل سه داستان فارسی معاصر در سبک جریان سیال ذهن براساس نظریه شناختی جهان‌های متن

سعیده علی‌نوری^۱، آزی‌تا افراشی^۲، نازنین امیرارجمندی^۳، علی‌اصغر سلطانی^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: s.noyan2107@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه تخصصی زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه: a.afraشي.ling@gmail.com
۳. استادیار گروه تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، قزوین، ایران. رایانامه: n_arjmandi@yahoo.com
۴. دانشیار گروه تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. رایانامه: a.sultani@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نظریه جهان متن یکی از چارچوب‌های نظری در مطالعات شعرشناسی شناختی است که از رهگذر تحلیل ساختارهای مفهومی، زمینه مطالعه گفتمان ادبی را فراهم می‌آورد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین برخی سازه‌های این نظریه یعنی عناصر جهان‌ساز و گزاره‌ها در سبک جریان سیال ذهن در سه داستان فارسی معاصر باتوجه به چارچوب نظری جهان متن است. به این منظور، بند آغازین متن به عنوان معرف سبک و تمرکزنا برگزیده شده و عناصر جهان‌ساز مشتمل بر زمان، مکان، شخصیت و ایژه‌های به‌کاررفته در آن و نیز گزاره‌های نقش‌گستر و جهان‌های فرعی تحلیل شده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میزان گزاره‌های نقش‌گستر کنش‌رویدادی که در واقع پی‌رنگ‌گستر هستند بیشتر از گزاره‌های دیگر است و تمایل بیشتری به بازنمایی جهان متن از طریق مکان‌های نامعلوم و اشخاص در زمانی نامعین دیده می‌شود. پرش زمانی و استفاده از افعال وجهی و ضمائر به‌جای اسامی خاص به‌طور فراگیر به چشم می‌خورد که این کاربرد تأییدی برنگارش غیرخطی رویدادهاست. جهان‌های فرعی در داستان‌های سیال ذهن بیشتر از نوع عبارت اشاره‌ای نسبت به جهان‌های فرعی نگارشی و معرفت‌شناختی است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۶ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۴ آبان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۱ آبان ۱۴۰۱

دسترسی برخط: ۱ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

نظریه جهان متن،

جهان‌های فرعی،

گزاره‌های نقش‌گستر،

عناصر جهان‌ساز،

سبک جریان سیال ذهن.

استاد: علی‌نوری، سعیده؛ افراشی، آزی‌تا؛ امیرارجمندی، نازنین؛ سلطانی، علی‌اصغر (۱۴۰۲). تحلیل سه داستان فارسی معاصر در سبک جریان سیال ذهن براساس نظریه شناختی جهان‌های متن. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۲)، ۳۵-۵۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

۱- مقدمه

سبک‌شناسی^۱ به مطالعه شیوه آفرینش متن گفتاری یا نوشتاری گفته می‌شود. مقصود از سبک در این‌گونه پژوهش، وقوع پیوسته برخی عناصر و ساخت‌ها یا انواعی از آن در متن، در مقایسه با کاربرد روزمره زبان یا سایر گونه‌های زبانی است. در یک تحلیل سبک‌شناختی، عناصر و ساخت‌های زبانی به‌منظور کشف ویژگی‌های انواع متون گفتمانی در قالب اصطلاحات و چارچوبی توصیفی تفکیک و تعبیر می‌شوند. مطالعات سبک‌شناختی پیشین بر سطوح ساختاری و معنایی (آوایی، واجی، ساخت و معنی) تمرکز داشتند؛ با این حال، در آن‌ها الگوهای شناختی حاصل از توالی ساخت و عناصر متن بررسی نمی‌شد، تا اینکه در چند دهه اخیر به تدریج زبان‌شناسان به موضوع‌های شناختی^۲ زبان توجه پیدا کردند.

در رویکرد شناختی، زبان بازنمود فرایندهای شناختی عامی است که ذهن براساس آن‌ها تجربیات را مفهوم‌سازی^۳ می‌کند. اساس این فرایندها درک بدنمند است (جانسون^۴، ۱۹۸۷: ۳۶-۳۷). کاربرد زبان‌شناسی شناختی در تحلیل متون ادبی، شعرشناسی شناختی^۵ نامیده می‌شود. نظریات و چارچوب‌های متفاوت در شعرشناسی شناختی به یک خوانش جهانی و مشترک اشاره دارند و آن این نکته است که جهان یک اثر ادبی، به جهان خواننده پیوند می‌خورد (استاک‌ول^۶، ۲۰۰۲: ۱۳۶-۱۳۷). یکی از این نظریات، نظریه جهان متن^۷ است که چارچوبی گفتمانی برای تحلیل ساختار متن و تأثیر بافت پیرامون در تولید و درک آن متن به دست می‌دهد (گاوینز^۸، ۲۰۰۷: ۸-۹). فرض اصلی در نظریه جهان متن این است که انسان، گفتمان را از طریق بازنمودهای ذهنی^۹ پردازش و درک می‌کند (افراشی و نعیمی، ۱۳۸۹: ۲).

در سال‌های اخیر، پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی پژوهش‌های متعددی را در زمینه تحلیل و توصیف متون داستانی، شعر و نمایشنامه برپایه نظریه جهان متن انجام داده و نتایج درخور توجهی را ارائه داده‌اند و به جنبه‌های خوانشی پویای این متون و محدودکردن تفسیرهای متفاوت و پراکنده توجه داشته‌اند. نظریه جهان‌های متن را در دهه ۱۹۹۰ پال ورث^{۱۰} در کتابی با عنوان جهان‌های متن^{۱۱} بازنمود فضاهای مفهومی در جهان گفتمان^{۱۲} مطرح کرد و به دنبال آن، پژوهشگران خارجی و داخلی، پژوهش‌های بسیاری را در زمینه کارایی این نظریه در زمینه‌های

1. stylistic
2. cognitive
3. conceptualization
4. M. Johnson
5. Cognitive poetic
6. P. Stockwell
7. Text World theory
8. J. Gavins
9. mental representation
10. P. Werth
11. Text worlds: representing conceptual space in discourse
12. discourse world

مرتبط و گوناگون انجام دادند (گاوینز، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷؛ استاک‌ول، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲؛ سام براوز^۱، ۲۰۰۸؛ سارا وایتلی^۲، ۲۰۱۱؛ مارسلو جیوانی^۳، ۲۰۱۳؛ ارنستین لاهی^۴، ۲۰۱۴؛ جرمی اسکات^۵، ۲۰۱۵؛ آلیسون گیبونز^۶، ۲۰۱۶). برای نمونه، استاک‌ول (۲۰۰۲) در کتاب خود تحت عنوان *شعرشناسی شناختی*^۷، بخشی را به نظریه جهان‌های متن، سازه‌ها و کارایی آن در تحلیل متون ادبی اختصاص داده و ارتباط این نظریه را با نقد ادبی و سبک‌شناسی به بحث گذاشته است.

گاوینز (۲۰۰۷) در کتابی با عنوان *مقدمه‌ای بر نظریه جهان‌های متن*^۸، به بسط و گسترش عناصر، جزئیات نظریه، پاره‌ای تغییرات و اضافه‌کردن اصطلاحات اصلی نظیر جهان‌های وجهی^۹ و مبدل‌دهنده‌های جهان‌ها^{۱۰} پرداخته است. او همچنین با بهره‌گیری از این نظریه به تحلیل برخی متون ادبی همچون *حقیقه‌های پوچ با قالب‌های دوچرخه در جهان‌های متن پاسبان سوم*^{۱۱} پرداخته و کارکرد این نظریه را مطالعه کرده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «ساختن جهان‌های نوایی: کاربرد جهان‌های متن در داستان تسلی‌ناپذیر^{۱۲}»، سارا وایتلی (۲۰۱۲) با در نظر گرفتن عناصر جهان‌ساز^{۱۳} و نقش گستر متن^{۱۴} و با استفاده از مدل توجه-نوا^{۱۵} ساخت نوایی داستان تسلی‌ناپذیر را از دیدگاه شعرشناسی شناختی بررسی کرده است (استاک‌ول، ۲۰۰۲).

وایتلی با این فرض که داستان مذکور، توجه خواننده و انتظارات او را به گونه‌ای برمی‌انگیزد که اگر عمیق بخواند، نوعی تأثیر نوایی در او ایجاد می‌کند، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که نظریه جهان‌های متن، چارچوبی سودمند برای بررسی جنبه‌های تجربی و حسی خواندن متن فراهم می‌سازد که خواننده به لحاظ روان‌شناختی نوعی مشارکت‌کننده در گفتمان تصور شود. در میان پژوهشگران ایرانی، گلفام و دیگران (۱۳۹۳) کاربرد این نظریه را در تعیین سازه‌های متن روایی داستان *سازده/احتجاب* مطالعه کرده‌اند. آن‌ها با واکاوی لایه‌های جهان‌های متن این داستان، جهان‌های متن فرعی روایت را در قالب یک جهان شامل در ذهن سازده به تصویر می‌کشند و به این ترتیب، جهان متن اصلی شکل می‌گیرد. به علاوه، تضاد میان شخصیت‌ها و بازنمایی افکار آن‌ها

1. S. Browse
2. S. Whitely
3. M. Giovanelli
4. E. Lahey
5. J. Scott
6. A. Gibbons
7. *Cognitive Poetics: An Introduction*
8. *Text World Theory: An Introduction*
9. modal world
10. world switch
11. Absurd Tricks with Bicycles Frames in the Text World of the Third Policeman
12. Building Resonant Worlds: Experiencing the Text Worlds of the Unconsoled
13. world building elements
14. function advancing
15. attention resonance

به بروز جهان‌های زیرشمول منجر می‌شود که به تفسیر نظام‌مند متن کمک می‌کند.

در مطالعه‌ای دیگر، افراشی (۱۳۹۵) داستان *وداع* اثر جلال آل احمد را با توجه به نظریه جهان‌های متن تجزیه و تحلیل نموده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که نشانه‌های متنی محدودی در این داستان برای بازنمود جهان‌های فرعی اشاره‌ای و نگرشی وجود داشته و زمان دستوری تمام فعل‌های به‌کارگرفته‌شده، گذشته بوده است. گویی تأثیر غم‌انگیز داستان برای خواننده و روشن نبودن آینده، خیال‌پردازی و آرزو این‌گونه تبیین می‌شود. وی معتقد است که نظریه جهان‌های متن در توضیح کارکردهای حوزه‌های واژگانی به‌عنوان نشانه‌های متنی در تحلیل داستان کارایی دارد. همچنین، یوسفیان کناری و قلی‌پور (۱۳۹۵) جهان‌های ممکن و زاویه دید روایی را در یک اثر داستانی و یک نمایشنامه ایرانی بررسی کردند و دریافتند با وجود تفاوت جهان‌های داستانی و نمایشی، شخصیت‌های اصلی روایت به‌کمک نشانگرهای زبان‌شناختی در روند مکالمه، گستره دلالت‌های کلامی را وسعت می‌بخشند و بازنمایی را از عمق میدان دید شخصیت‌های غایب به دست می‌دهند و بر نحوه ادراک مخاطب اثر می‌گذارند.

از آنجاکه در تحلیل و شناسایی انواع سبک‌های ادبی، تعریفی یکدست که مبتنی بر چارچوبی مشخص باشد، موجود نیست و تقریباً بسیاری از شیوه‌های سبک‌شناسی، توصیفی هستند، ارائه و تبیین شیوه‌ای مستدل، مبتنی بر چارچوبی خاص و دقیق، ضروری و سودمند می‌نماید. به‌علاوه، از آنجاکه رویکرد جهان‌های متن، نوپا و برآمده از استدلال‌های شناختی و قابل‌درک در لایه‌های اساسی گفتمان و متن است و به ابزار توصیفی دقیق مانند نمودار و طرح‌هایی برای توضیح و نمایش عناصر مختلف در تحلیل متون متفاوت مجهز است، کاربست این نظریه در تحلیل سبک‌شناسی متون ادبی مؤثر است و می‌تواند تحلیلی علمی برای سبک‌های مختلف داستان‌نویسی فارسی، ارائه دهد.

با این فرض، پژوهش حاضر به بررسی سه داستان در سبک ادبی جریان سیال ذهن^۱ از نویسندگان مطرح در ادبیات معاصر ایران در این سبک می‌پردازد که عبارت‌اند از: آرامش قشنگ از مجموعه داستان *دریا و نندگان* جزیره آبی‌تر (عباس معروفی، ۱۳۸۲)، عشق روی پیاده‌رو از کتاب *عشق روی پیاده‌رو* (مصطفی مستور، ۱۳۹۰) و دخمه‌ای برای سمور آبی از کتاب *نیمه تاریک ماه* (هوشنگ گلشیری، ۱۳۸۰). این پژوهش به دنبال آن است تا نشان دهد چگونه سازه‌ها و مفاهیم نظریه جهان متن فضاهای متنی گفتمان سیال ذهن ادبی و حرکت میان لایه‌های مختلف جهان‌های متن را ممکن می‌سازد و یافته‌های پژوهش چه شباهت‌هایی را میان این سه داستان در این سبک ادبی نشان می‌دهد.

۲- سبک یا تکنیک جریان سیال ذهن

«سبک به معنای طرز فکر و شیوه خاص بیان نویسنده/شاعر است که به اثر او ویژگی منحصر به فرد می‌دهد؛ و

سبک‌شناسی توصیف ویژگی‌های سبکی اثر است» (حیاتی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹). سازه‌ها و عناصر سبک‌شناختی که سبک متن را شکل می‌دهند و محتوا و درون‌مایه را منعکس می‌سازند، در دو گستره کلی لفظ/معنا یا صورت/محتوا بررسی و به شیوه‌های متفاوت مقوله‌بندی می‌شوند. برای نمونه، شفيعی کدکنی (۱۳۷۵) معتقد است هر شکلی که از صورت معیار زبان منحرف شود، تنوع سبکی به وجود می‌آورد و هر آنچه سبب انحراف از صورت معیار شود و در متن تکرار گردد، ویژگی سبکی به‌شمار می‌آید.

شمیسا (۱۳۷۲) متن را در لایه‌های مختلف زبانی، ادبی و فکری تحلیل می‌کند و عبادیان و دیگران (۱۳۷۲) عناصر آوایی، واژگانی و دستوری را در تحلیل متن برمی‌شمارد (ایران‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲)؛ حال آنکه خطیبی (۱۳۷۵) واژگان، ترتیب سازه‌ای جملات و آرایه‌های زبانی را در تحلیل سبک‌شناختی متن به کار می‌گیرد. به این ترتیب، می‌توان گفت دوره‌های ادبی را می‌توان به کمک ویژگی‌های سبکی تعیین کرد (فتوحی، ۱۳۸۸). «به همین دلیل همپای تحول جهان‌بینی‌ها که منجر به شکل‌گیری مکتبی نوین می‌شود، زبان نیز دگرگون می‌گردد» (بهنام‌فر و غریب، ۱۳۹۶: ۹). نگارش به سبک جریان سیال ذهن به تکنیکی روایی اشاره می‌کند که در آن، افکار و عواطف یک راوی یا شخصیت به شکلی نوشته می‌شود که مخاطبین می‌توانند مسیر تغییرات پیوسته در وضعیت ذهنی آن شخصیت را دنبال کنند.

اصطلاح جریان سیال ذهن نخستین بار در کتاب *اصول روان‌شناسی*^۱ اثر ویلیام جیمز^۲ در سال ۱۸۹۰ به کار برده شد. در سبک جریان سیال ذهن، این امکان برای مخاطبین فراهم می‌آید که افکار شخصیت‌ها را بشنوند. در این تکنیک اغلب از زبان به روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود تا مسیر پیچیده رفت‌وآمد افکار مختلف در ذهن یک شخصیت بازسازی شود. به‌طور مختصر می‌توان گفت این شیوه، استفاده از زبان به روشی برای نشان دادن ماهیت سیال افکار در ذهن انسان‌هاست. جریان سیال ذهن را هم به صورت اول شخص و هم سوم شخص می‌توان نوشت. نگارش نثر به شکل سنتی، کاملاً خطی است؛ یعنی یک رویداد یا مفهوم به ترتیبی کمابیش منطقی، پس از رویداد یا مفهومی دیگر اتفاق می‌افتد. اما جریان سیال ذهن اغلب غیرخطی است و ویژگی‌هایی مشخص دارد؛ مانند استفاده از قواعد دستوری غیرمعمول، تکرار، جهش‌های مفهومی^۳ و ساختار متفاوت طرح داستانی.

۳- چارچوب نظری

۳-۱ جهان متن

به باور ورث (۱۹۹۹)، جهان‌های متن موقعیتی است که توسط گفتمان شرح داده می‌شود و باز نمود ذهنی گفتمان

1. *The Principles of Psychology*

2. W. James

3. conceptual leaps

در اذهان شرکت‌کنندگان آن است (وندربام^۱، ۲۰۱۵: ۲۷؛ ورث، ۱۹۹۹: ۸۷). بخش مهم غنای جهان‌متن از دانش قبلی و استنتاج شرکت‌کنندگان گفتمان حاصل می‌شود. به بیان دیگر، هنگامی که افراد در گفتمان قرار می‌گیرند جهانی را می‌سازند که در آن گزاره‌ها پیوسته و معنی‌دار هستند. به بیان ساده‌تر، جهان‌متن توسط مشارکان موجود در یک گفتمان با دانش مرتبط برجسته می‌شود و وابسته به آنچه در حافظه و تخیل آنها وجود دارد، ارائه می‌گردد (وندربام، ۲۰۱۵: ۲۷؛ ورث، ۱۹۹۹: ۱۷ و ۲۰). استاک‌ول (۲۰۰۲) جهان‌متن را جهانی غنی به‌مثابه ابزاری برای درک اثر ادبی مطرح می‌کند. برای وی، این جهان بسیار غنی‌تر و از لحاظ شناختی، پیچیده‌تر از نظریه جهان‌های ممکن^۲ یا معادل‌های آن در نظریه فضای ذهنی^۳ به‌شمار می‌آید (استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۱۳۶-۱۳۷).

۳-۱-۱ عناصر جهان‌ساز

عناصر اصلی که به جهان‌های متن شکل می‌دهند، عناصر جهان‌ساز^۴ هستند. این عناصر اشاره‌گرها و اصطلاحات ارجاعی هستند که محدوده‌های زمانی و مکانی جهان‌متن را می‌سازند و شامل وجه‌نمای مکانی، زمانی و فضایی همچنین، قیده‌ها، افعال حرکتی، حروف تعریف، گروه‌های اسمی، ضمائر شخصی و انواع وجه و زمان می‌شوند (گاوینز، ۲۰۰۷: ۳۵). اشاره‌گرها و اصطلاحات ارجاعی، «متغیرهای موقعیتی» جهان‌متن مثل زمان، مکان، موجودیت (شخصیت‌ها و اشیاء) و ویژگی‌های موجودات و روابط بیناین آن‌ها را نشان می‌دهند (لاهی، ۲۰۱۴: ۴۵). اما اشاره‌ها تنها به این گروه‌های زمان و مکان محدود نمی‌شوند و عناصر اشاره‌گر دیگری که می‌تواند در ساختار ابتدایی جهان‌متن شرکت‌کنندگان نیز وجود دارند. این عناصر جهان‌ساز ممکن است اشیاء یا افراد را نام‌گذاری کنند یا اطلاعات بیشتری درباره روابط اجتماعی بین آن‌ها ارائه دهند. ضمائر شخصی، حروف تعریف و مرجع‌های مشخص می‌توانند همگی به‌منظور مشخص کردن این امر که چه کسی یا چه چیزی در جهان‌متن شرکت کرده است، به‌کار روند. البته چنین اطلاعات ارجاعی حاصل دانش مبتنی بر فرهنگ و تجربه پیوسته شده به آن است (گاوینز، ۲۰۰۷: ۳۷-۳۸).

۳-۱-۲ گزاره‌های نقش‌گستر

گزاره‌های نقش‌گستر^۵، برجسته‌سازی را در متن ایجاد می‌کنند و شامل اطلاعاتی هستند که سبب پیشروی متن به جلو می‌شود (ورث، ۱۹۹۹: ۳۳۵). گزاره‌های نقش‌گستر، یا تعدیل‌گر^۶ هستند یا بازنمودی از شیوه و لفظ

1. I. Van der bom
2. possible worlds
3. mental space
4. world building elements
5. functional advancing proposition
6. modification

مسیر^۱؛ مسیر یک طرح‌واره تصویری از حرکت انتزاعی یا عینی در مکان است. در نظریه جهان متن، بازنمود مسیر به گزاره‌هایی درباره تغییر شرایط یا شکلی از حرکت اشاره دارد. از سوی دیگر، تعدیل‌گرها ویژگی‌ها، شرایط، حالات ایستا و کنایه‌ها را بازنمایی می‌کنند (وندر بام، ۲۰۱۵: ۲۸).

گاوینز (۲۰۰۷) از مفاهیم نظریه نقش‌گرای هلیدی^۲ (۱۹۸۵) در توصیف گزاره‌های نقش‌گستر استفاده کرده است. وی باور دارد که شکل زبانی این گزاره‌ها را در نظام زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌توان یافت. در نظام نقش‌گرای هلیدی یک فرانش تجربی وجود دارد که متشکل از شش فرایند^۳ است: ماده‌ای^۴، رفتاری^۵، ذهنی^۶، کلامی^۷، رابطه‌ای^۸ و وجودی^۹ (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۷۰-۱۷۱). این فرایندها بازنمود دستوری تجربه ما از جهان هستند (کاظمی و بیرون راه، ۱۳۹۷). گاوینز (۲۰۰۷) چهار فرایند رابطه‌ای، ماده‌ای، ذهنی و وجودی را از این فرانش تجربی در نظریه جهان متن به‌کار گرفته است:

الف. فرایندهای رابطه‌ای، ماهیت رابطه بین دو یا چند عنصر را در جهان متن با یکدیگر نشان می‌دهند که در تقسیم‌بندی ورث (۱۹۹۹) به شناسا^{۱۰} معروف هستند و عموماً شرایط ایستا را توصیف می‌کنند. سه نوع فرایند رابطه‌ای متفاوت وجود دارد که عبارت‌اند از: ملکی، غیرمستقیم و کامل. تمامی این فرایندهای رابطه‌ای نشان می‌دهند که دو یا چند عنصر در یک جهان‌متن چگونه و در چه سطحی با یکدیگر رابطه دارند. فرایندهای رابطه‌ای کامل، رابطه‌ای را شرح می‌دهند که یک x در واقع یک y است؛ فرایندهای رابطه‌ای ملکی رابطه‌ای را شرح می‌دهند که x دارای y است و فرایندهای رابطه‌ای غیرمستقیم این‌گونه شرح می‌دهند که یک x رابطه همراه، در، داخل یا روی y دارد. هریک از این انواع فرایندها می‌تواند در یکی از دو سبک زیر روی دهد: وصفی یا تشخیصی^{۱۱}. در سبک وصفی، یک عنصر جهان متن به‌منظور وصف عنصر دیگر شرح داده می‌شود. این نوع فرایند رابطه‌ای از یک حامل^{۱۲} و یک ویژگی^{۱۳} ساخته شده‌اند. در سبک تشخیصی، یک عنصر جهان متن عنصر دیگر را مشخص می‌کند و این نوع فرایند شامل مشخص‌کننده^{۱۴} و شناسا است.

1. path expression
2. M.A.K. Halliday
3. process
4. material
5. behavioral
6. mental
7. verbal
8. relational
9. existential
10. modifier
11. identification
12. carrier
13. attribute
14. identifier

ب. فرایندهای ماده‌ای، هر نوع کنش یا رویدادی را در گفتمان که شامل دخالت جاندار یا غیرجاندار باشد دربرمی‌گیرند؛ درواقع، این‌ها همان مفهوم مسیر هستند. در نظام زبان‌شناسی نقش‌گرا، فرایندهای ماده‌ای دراصل به هر نوع کنش یا رویدادی در گفتمان اطلاق می‌شود که با دخالت یک کنشگر انجام پذیرد. در این نظام، کنش‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند: فرایندهای ارادی و تصادفی. در نظریه جهان متن تمامی این فرایندها تحت عنوان گزاره‌های نقش‌گستر شناخته می‌شوند و حرکت گفتمان را پیش می‌برند.

ج. فرایندهای ذهنی، روند دریافت شناخت یا واکنش را در گفتمان نشان می‌دهند. درواقع، فاعل این کنش‌ها تجربه‌گراست و از طریق گزاره‌های ادراکی، شناختی یا واکنشی به زمینه‌ای که عناصر جهان‌ساز ایجاد کرده‌اند، شکل و معنا می‌بخشند. در این بین، می‌توان افعالی چون «باورداشتن» را مثال زد.

د. فرایند وجودی، به وجود یک عنصر در جهان متن اشاره دارد (گاوینز، ۲۰۰۷، ۵۶)، به‌عنوان نمونه، وجودداشتن، بودن.

۳-۱-۳ جهان‌های زیرشمول

افراد موجود در متن، بازیگرهای کنشگر با اهداف، آرزوها، احساسات، منطقی و بازنمودهای ذهنی‌ای هستند که در جهان‌متن به‌کار گرفته می‌شوند. این اهداف، آرزوها، باورها و نیت‌های مشارکان متنی در یک فرافکنی بازنمود پیدا می‌کند که ورث آن را تحت عنوان جهان‌زیرشمول بیان می‌کند (وندر بام، ۲۰۱۵: ۳۴؛ ورث، ۱۹۹۹: ۵۵). به‌باور ورث (۱۹۹۹)، هرگونه تغییری در ویژگی‌های زمانی و مکانی جهان‌متن اولیه بی‌شک فرافکنی یک جهان زیرشمول را در پی خواهد داشت. به‌طور کلی، سه نوع جهان زیرشمول وجود دارد:

جهان زیرشمول عبارات اشاره‌ای^۱: شامل بازگشت به عقب، حرکت به جلو و هرگونه حرکتی در موقعیت فعلی است. مانند گفتمان مستقیم یا هر نگاهی به صحنه‌ای دیگر (شخصیتی یک نمایشنامه را بخواند، با تلفن حرف بزند، تلویزیون نگاه کند و غیره) تغییر متن به جهان فرعی یا زیرشمول عبارات اشاره‌ای شامل تنوعی در یک یا چند عنصر جهان‌ساز است که اغلب این تغییر در زمان و مکان است. جهانی که درون نقل قول مستقیم^۲ از آن صحبت می‌شود، از آنجاکه از گفتمان پیرامون جداست و اغلب شامل تغییر از سوم شخص به اول یا دوم شخص است، یک جهان فرعی تلقی می‌شود. برعکس، گفتار گزارشی^۳ به آن دلیل که درون جهان متن فعلی به‌عنوان بخشی از صدای روایت‌کننده^۴ حضور دارد، به‌خودی‌خود جهان را بر نمی‌انگیزد. گفتمان مستقیم «دیروز وقتی آنجا بودیم گفت: فردا به اینجا برمی‌گردم» را با گفتار گزارشی «او گفت که امروز به اینجا برمی‌گردد»

1. deictic sub world
2. direct speech
3. reported speech
4. narrative speech

مقایسه کنید. در صورت دوم، به جهان فرعی گفتمان مستقیم وارد نمی‌شویم؛ بلکه کمابیش در خود روایت حرکت می‌کنیم.

جهان‌های زیرشمول نگرشی^۱: براساس آرزو، باور یا هدف (به‌ترتیب جهان‌های آرزو، جهان‌های باور و جهان‌های هدف) شخصیت‌ها شکل می‌گیرند. جهان زیرشمول نگرشی با استفاده از گزاره‌هایی مانند «آرزوکردن»، «امیدواربودن»، «خواب‌دیدن»، «خواستن» و غیره نشان داده می‌شود. در بندی از رمان *سفر داون* تریدر^۲، جهان فرعی نگرشی به‌واسطه جمله «آدم دلش نمی‌خواست به تخت برود» عنوان می‌شود. این بخش، مخاطب را از جهان متن فعلی بیرون می‌برد و وارد جهان زیرشمول می‌کند که بیانگر نگرش شخصیت‌ها (با به‌کارگیری کلمه «آدم») نسبت به یک کنش است.

جهان‌های فرعی معرفتی^۳: امکانی هستند که به‌واسطه آن‌ها نظریه جهان متن، قادر به بازنمایی بعد امکان و احتمال خواهد بود. جهان‌های فرضی^۴ از سوی شخصیت‌ها و با به‌کارگیری گزاره‌هایی مانند «شاید»، «خواهد» و «باید» و همچنین ساخت‌های شرطی «اگر ... پس» معرفی می‌شود. محتوای این جهان‌های زیرشمول معرفتی (همانند عبارات اشاره‌ای و نگرشی) می‌تواند شامل تغییر در زمان، مکان، شخصیت و اشیاء باشد (استاک‌ول، ۲۰۰۲: ۱۴۰-۱۴۱).

۴- روش پژوهش

این مقاله با رویکرد شعرشناسی شناختی در چارچوب نظریه جهان‌های متن بر سه داستان از سبک ادبی پرآوازه معاصر سیال ذهن انجام شده است. داستان‌های موردنظر عبارت‌اند از: «آرامش قشنگ» از مجموعه داستان *دریاریونندگان جزیره آبی‌تر* (عباس معروفی، ۱۳۸۲)، «عشق روی پیاده‌رو» از کتاب *عشق روی پیاده‌رو* (مصطفی مستور، ۱۳۹۰) و «دخمه‌ای برای سمور آبی» از کتاب *نیمه تاریک ماه* (هوشنگ گلشیری، ۱۳۸۰). بنابراین، گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. باتوجه به مطالب بخش قبل، جهان متن از عناصر جهان‌ساز (زمان، مکان، شخصیت و شیء) و گزاره‌های نقش‌گستر (توصیفی/کنش‌رویدادی) شکل می‌گیرد و جهان‌های زیرشمول که در وجوه اشاره‌ای، نگرشی و معرفت‌شناختی بروز می‌کنند. بنابراین، تحلیل از بند آغازین متن شروع و عناصر جهان‌ساز را از نظر زمان، مکان، شخصیت و اشیاء به‌کار رفته در آن تحلیل می‌کند. درواقع، با همان واژه‌های آغازین، تصویر ذهنی از جهان متن با جزئیاتی از موقعیت مکانی گوینده و ترکیب اطلاعات جهان‌ساز متن شکل می‌گیرد که در اینجا در قالب جدول عناصر جهان‌ساز و همچنین

1. attitudinal sub world
2. *Dawn Treader Travel*
3. epistemic world
4. hypothetical world

نمودارها و جدول‌ها جهان‌های فرعی رسم می‌شود و یک چشم‌انداز کلی از متن فرا روی خوانندگان می‌گشاید. از آنجاکه هدف از ذکر نمونه‌ها کمک به تحلیل گفتمان موردنظر است و نه نمایش کلی از آن، به قدر ضرورت، نمای کلی در جدول‌های تحلیلی ترسیم شده و جزئیات سایر بندها در یک جدول کلی، به صورت درصد فراوانی نمایش داده شده است.

۵- تحلیل داستان‌ها در سبک جریان سیال ذهن

۵-۱ داستان عشق روی پیاده‌رو

بررسی عناصر جهان‌ساز و نیز گزاره‌های نقش‌گستر بند ابتدایی داستان عشق روی پیاده‌رو باتوجه به نظریه جهان متن در دو جدول زیر نشان داده شده است.

«ناگهان از پیچ خیابان بیرون زد. از جلو ساندویچی اصغر چاخان گذشت و یک‌راست آمد طرف من. خیابان زیاد شلوغ نبود. با خونسردی چاقو ضامن‌دارش را از جیب شلوار سیاه روغنی‌اش بیرون آورد و آن را تا دسته صدفی‌اش در پهلو فرو برد. تیغه چاقو سرد بود و وقتی آن را بیرون کشید برای لحظه‌ای دیدمش و گریخت. پاش به صندوق کوچک عیدی واکسی خورد و اثاثش را روی زمین ریخت و من به یاد تو افتادم که همیشه می‌گفتی گرسنه که شدی عاشقی را فراموش می‌کنی؛ اما نکردم. اوایل شاید به خاطر تو بود که مدتی برای خودم کار پیدا کردم. در یک پمپ‌بنزین. بنزین در گلولی باک‌های تشنه می‌ریختم و پول می‌گرفتم. پول و پول و پول. چه قدر زیاد! آن قدر که در دست‌هایم جا نمی‌گرفتند. مثل کارمندهای بانک فقط پول‌ها را می‌شمردم. نه هزار و هفتصد و چهل و شش تومان دستمزد می‌گرفتم که تقریباً تمامش صرف خرید کتاب و مجله می‌شد. جیب‌هایم همیشه خالی بود. ولع یا مرض خواندن داشتم. با فلسفه شروع شد. از هفده سالگی فیلسوفانه به جهان نگاه می‌کردم. شده بودم یک بچه فیلسوف سمج که می‌خواست پشت آسمان را ببیند. یک‌بار سر کلاس درس گفتی فلسفه برای کسانی است که شکم‌شان سیر است و مغزشان گرسنه. به فکر یک لقمه نان باش که فلسفه آب است! یادت هست؟»

جدول (۱). عناصر جهان‌ساز بند ابتدایی داستان عشق روی پیاده‌رو (مستور، ۱۳۹۰: ۶۵-۷۷)

عناصر جهان‌ساز پاراگراف اول داستان عشق روی پیاده‌رو

زمان: گذشته و جهی (ساده، استمراری، بعید)

مکان: خیابان، جلو ساندویچی اصغر چاخان

ابژه: چاقوی ضامن‌دار، شلوار سیاه، صندوق کوچک عیدی، اثاث، بنزین، دست‌هایم، پول‌ها، کتاب و مجله، جیب‌ها

مشارکان: من، او (چاقوکش)، تو، واکسی

جدول (۲). گزاره‌های نقش‌گستر بند ابتدایی داستان عشق روی پیاده‌رو (مستور، ۱۳۹۰: ۶۵-۷۷)

گزاره‌های نقش‌گستر بند ابتدایی داستان عشق روی پیاده‌رو

او (چاقوکش)



از پیچ خیابان بیرون زد، از جلو ساندویچی اصغرچاخان گذشت، یک‌راست آمد، چاقوی ضامن‌دارش را بیرون آورد، چاقو را تا دسته در پهلوم فرو کرد، گریخت، پاش به صندوق خورد، اثاث واکسی را روی زمین ریخت.
من ← به یاد تو افتادم، عاشقی را فراموش نکردم، ولع خواندن داشتم، فیلسوفانه به جهان نگاه می‌کردم، بچه فیلسوفی شده بودم که می‌خواست جهان را ببیند.



کار پیدا کردم، بنزین در باک می‌ریختم، پول می‌گرفتم، پول‌ها در دست‌هایم جا نمی‌گرفتند، پول‌ها را می‌شمردم.
تو ← یادت هست؟ به فکر یک لقمه نان باش که فلسفه آب است.



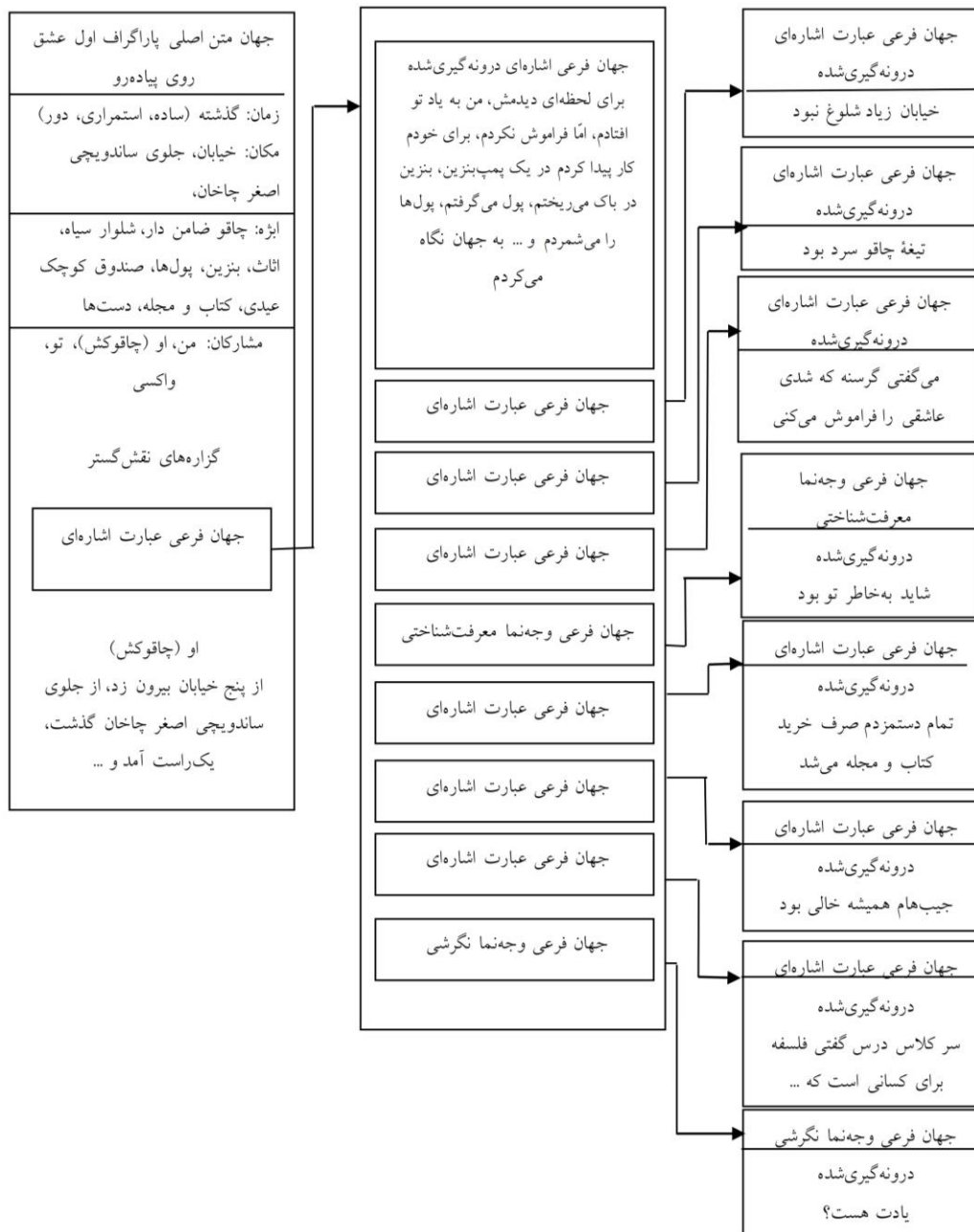
می‌گفتی، سر کلاس درس گفتی.

با نگاهی گذرا به بند ابتدای داستان عشق روی پیاده‌رو از این نویسنده نکته‌ای که واضح است جابه‌جایی متعدد بین دو مشارک اصلی داستان یعنی او (چاقوکش) و من است که با به‌کارگیری توصیف‌های ذهنی و زیبا، متن را برجسته می‌کند و به‌نوعی پی‌رنگ داستان را به‌دست می‌دهد و به‌خوبی خواننده را قادر به درک سبک روایی متفاوت داستان می‌کند. گویی نویسنده از سیلان نامنظم و پایان‌ناپذیر ذهن مشارکان داستان استفاده می‌کند و فقط با زاویه دید دانای کل به داستان نگاه نمی‌کند و از طریق تک‌گویی ذهنی و روانی به کشف احساس و ذهنیت شخصیت داستانی می‌پردازد و این تفاوت قابل‌درک با سبک روایی در واقع ناشی از تراوشات ذهنی شخصیت داستان بدون واسطه و بدون رعایت نحو و دستور زبان بر روی کاغذ است.

همان‌گونه که در بند اول داستان عشق روی پیاده‌رو مشاهده می‌شود به‌لحاظ زمانی، داستان روایتی از گذشته است و قیدها و زمان صرفی فعل‌ها حاکی از زمان گذشته هستند، البته توجه به نظام وجهی افعال، به‌کارگیری افعال وجهی نیز در همین ابتدای داستان دیده می‌شود. مکان داستان در خیابانی در جلوی یک ساندویچ‌فروشی است و مشارکان اصلی در بند ابتدایی این داستان «او و من» هستند که این خود به‌نوعی نشان‌دهنده نزدیکی سبک داستان به روایی است. نظر به جدول گزاره‌های نقش‌گستر بند ابتدایی داستان عشق روی پیاده‌رو، این‌گونه دریافت می‌شود که گسترش توصیف شخصیت و پی‌رنگ و صحنه داستان به‌طور هم‌زمان پیش برده می‌شود. باوجوداینکه بسامد گزاره‌های رویدادی-کنشی کمی بیشتر از گزاره‌های حالت-توصیفی است، به‌دلیل تفاوت اندک آن‌ها می‌توان دریافت که گزاره‌های کنشی اکثراً پی‌رنگ‌گستر هستند؛ یعنی داستان از طریق به‌کارگیری این گزاره‌ها برای تقویت روابط موجود در ساختار آن گسترش می‌یابد و گزاره‌های حالت وصفی بیشتر کارکرد

شخص گستر و دو نمونه گزاره ربطی موجود در این بند مانند: «به فکر یک لقمه نان باش...» و «گرسنه که شدی عاشقی را فراموش می‌کنی» کارکرد موضوع گستر دارند.

جدول (۳). جهان‌های فرعی بند نخست داستان عشق روی پیاده‌رو (مستور، ۱۳۹۰: ۶۵-۷۷)



جهان‌های فرعی در خدمت تنوع متنیت جهان اصلی متن، بدون گسست قابل ملاحظه هستند. این امر به خوبی در بند اول داستان عشق روی پیاده‌رو دریافت می‌شود. با توجه به جدول جهان‌های فرعی درونه‌گیری شده این داستان، اولین جهان فرعی با تغییر در شخص و فعل از سوم شخص به اول شخص به صورت جهان فرعی عبارت اشاره‌ای با گفتار مستقیم انگیزه شده است. در این جهان فرعی، چند جهان زیرشمول درونه‌گیری شده^۱ مشاهده می‌شود که اکثراً از نوع عبارت اشاره‌ای هستند که به دلیل تغییر در شخص و فعل نسبت به جهانی که در آن وقوع پیدا کرده‌اند در این دسته قرار می‌گیرند؛ مانند: «تیغه چاقو سرد بود» یا «جیب‌هام همیشه خالی بود» یا در جهان فرعی از نوع وجه‌نمای معرفت‌شناختی که با جمله «شاید به خاطر تو بود» مشاهده می‌شود که به موازات جهان‌های فرعی دیگر در این جهان عبارت اشاره‌ای درونه‌گیری شده است.

درصد فراوانی گزاره‌های نقش‌گستر و انواع جهان‌های فرعی داستان نام‌برده به صورت کامل یعنی با بررسی و تحلیل جهان متن کل داستان عشق روی پیاده‌رو در جدول زیر به دست داده شده است.

جدول (۴). درصد فراوانی داستان عشق روی پیاده‌رو

جهان‌های زیرشمول یا فرعی		گزاره‌های نقش‌گستر		
معرفت‌شناختی	نگرشی	عبارت اشاره‌ای	حالت-توصیفی	کنشی-رویدادی
٪۷/۴۰	٪۳/۷۰	٪۲۲/۴۲	٪۱۸/۵۱	٪۴۸/۱

۵-۲ داستان دخمه‌ای برای سمور آبی

«خون سرخ و گرم به همه ملافه‌ها نشت می‌کند. مرا واگذارید! واگذاریدم تا شاید این سیلان گرم و سرخ بتواند آن جثه عظیم را از سینه من بشوید. و این بوی سنگین، عفونتی را که در بینی و دهانم خانه کرده است، پاک کند. سنگ‌ها را یکی یکی برداشتم، ریشه‌های پوسیده را بیرون کشیدم، خاک و کلوخ‌ها را به دور ریختم و آن لاشه عظیم را که به روزها و سال‌ها و قرن‌ها به دوش کشیده بودم، در آن دهان خالی و سیاه رها کردم. اینک تنها مشتی خاک می‌تواند آن را بپوشاند. و چون خون همه ملافه‌های سفید را سرخ کرد، بی آنکه نفس نفس بزنم، از همه پله‌های دنیا بالا خواهم رفت و همچون ابری سبک و ولگرد در زلالی‌های آبی آسمان رها خواهم شد».

جدول (۵). داستان دخمه‌ای برای سمور آبی (گلشیری، ۱۳۸۰: ۹۷-۱۳۲)

عناصر جهان‌ساز داستان دخمه‌ای برای سمور آبی

زمان: گذشته، حال، آینده، افعال و وجهی

مکان: دخمه (قبر)

ابژه: ملافه‌ها، جثه عظیم، سنگ‌ها، ریشه‌های پوسیده، خاک، کلوخ، لاشه، دهان خالی، ابر، آسمان

مشارکان: من، خون، شما، خاک

جدول (۶). داستان دخمه‌ای برای سمور آبی (گلشیری، ۱۳۸۰: ۹۷-۱۳۲)

گزاره‌های نقش‌گستر بند ابتدایی داستان دخمه‌ای برای سمور آبی

خون ← بوی عفونتی ... را پاک کند، شاید بتواند



نشت می‌کند، جثه عظیم را از سینه من بشوید، ملافه‌های سفید را سرخ کرده،

شما



واگذاریدم

من ← پله‌های دنیا را بالا خواهم رفت، در زلالی‌های آبی آسمان رها خواهم شد.



سنگ‌ها را یکی‌یکی برداشتم، ریشه‌ها را بیرون کشیدم، خاک ... به دور ریختم، آن لاشه ... رها کردم، نفس نفس بزنم

خاک

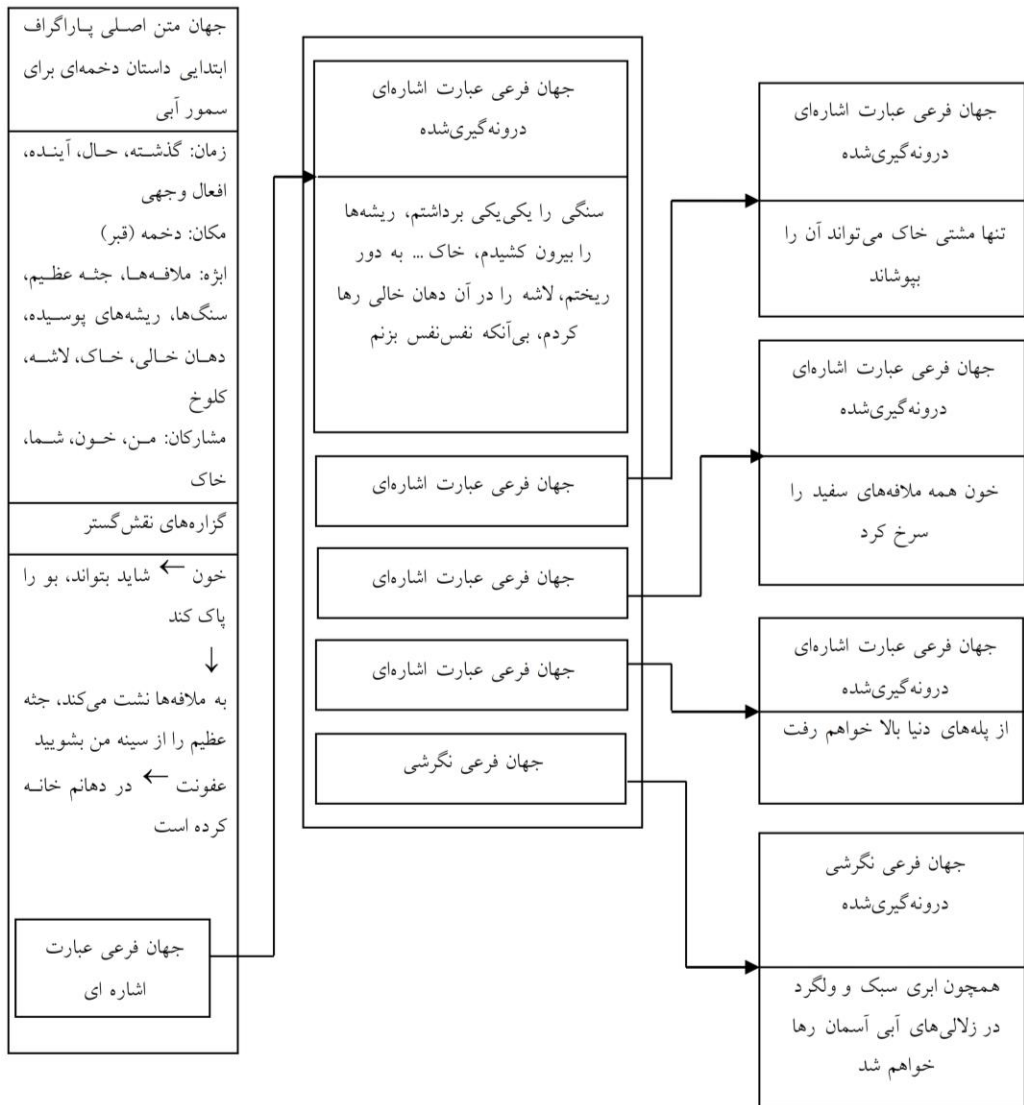


می‌تواند آن را بپوشاند

عفونت ← در دهانم خانه کرده است

با بررسی دو جدول بالا مربوط به بند ابتدایی داستان دخمه‌ای برای سمور آبی این‌گونه دریافت می‌شود که پرش زمان در همین یک بند برای گسترش و توصیف روایت به خوبی به کار گرفته شده است و زمان گذشته و آینده و حال و حتی به کار بردن و جوه فعلی با تبحر کافی توسط نویسنده مشاهده می‌شود که در سبک سیال ذهن در داستان‌های هم‌سبک نیز دیده می‌شود. در مورد مشارکان در این داستان «من» به عنوان شخصیت اصلی گویای سبک روایی این داستان است و به لحاظ گزاره‌های نقش‌گستر، تعداد گزاره‌های کنشی با کارکرد پی‌رنگ‌گستر نسبت به گزاره‌های حالت-وصفی که هم با کارکرد صحنه‌گستر و هم شخص‌گستر وجود دارند، بیشتر دیده می‌شوند. جمله «از همه پله‌های دنیا بالا خواهم رفت» گزاره حالت و توصیفی در نظر گرفته می‌شود که کارکرد صحنه و شخص‌گستر دارد و جمله مرکب «بوی سنگین عفونتی را که در بینی و دهانم خانه کرده است، پاک کند» در اصل دربرگیرنده دو گزاره حالت است که یکی به عفونتی که در بینی و دهانم خانه کرده، اشاره دارد و گزاره‌ای از نوع حالت با کارکرد شخص‌گستر و دیگری «خون که این بوی سنگین، عفونتی را که در بینی و دهانم خانه کرده است، پاک کند» را القا می‌کند که گزاره‌ای از نوع توصیفی و کارکرد آن صحنه‌گستر است.

جدول (۷). جهان‌های فرعی بند نخست داستان دخمه‌ای برای سمور آبی (گلشیری، ۱۳۸۰: ۹۷-۱۳۲)



همان‌طور که در جدول (۷) مربوط به جهان‌های فرعی بند اول این داستان نشان داده شده است، در جهان متن اصلی این پاراگراف با توجه به گزاره‌های آن و عناصر جهان‌ساز، با گسترش صحنه و پی‌رنگ روبه‌رو هستیم و خیلی سریع با تغییر مشارک به «من» و ورود به نقل قول مستقیم، به اولین جهان فرعی وارد می‌شویم. این جهان فرعی که درون جهان اصلی این بند درونه‌گیری شده است از نوع جهان فرعی عبارت اشاره‌ای است که با تغییر شخص و فعل از سوم شخص به اول شخص ایجاد شده است. درون این جهان فرعی، چهار جهان فرعی دیگر به موازات هم انگيخته شده‌اند که شامل عبارت اشاره‌ای و جهان فرعی نگرشی هستند. جهان فرعی نگرشی با

جمله «همچون ابری سبک و ولگرد در زلالی‌های آبی آسمان رها خواهم شد» در نظر گرفته شده است که به دلیل نگرش و میل راوی نسبت به احساس درونی و ذهن خود که گویی خویش را نظیر ابری در آینده آرزو می‌کند؛ این‌گونه برداشت شده است. جهان‌های فرعی عبارت اشاره‌ای موجود نیز با توجه به تغییر در شخص یا فعل در نظر گرفته شده‌اند. برای نمونه، در جمله «مشتی خاک می‌تواند آن را بپوشاند» جهان عبارت اشاره‌ای دیگری در دل جهان عبارت اشاره‌ای نقل قول مستقیم راوی شکل می‌گیرد که با به‌کارگیری فعل «بپوشاند» تغییر فعل اول شخص «داشتم» و نیز تغییر در شخص که دیگر «من» راوی نیست و مشتی خاک شده است، ایجاد شده است. درصد فراوانی گزاره‌های نقش گستر و انواع جهان‌های فرعی داستان نام‌برده به صورت کامل یعنی با بررسی و تحلیل جهان متن کل داستان دخمه‌ای برای سمور آبی در جدول زیر به دست داده شده است.

جدول (۸). درصد فراوانی داستان دخمه‌ای برای سمور آبی

جهان‌های زیرشمول یا فرعی		گزاره‌های نقش گستر		
معرفت‌شناختی	نگرشی	عبارت اشاره‌ای	حالت-توصیفی	کنشی-رویدادی
٪۱۴/۵	٪۹/۹	٪۱۸/۱۸	٪۲۲/۷۲	٪۴۵/۴

۳-۵ داستان آرامش قشنگ

«چقدر آرامش خانه را دوست دارد. کاش صدای سگ گاراژ به مغز آدم هجوم نیاورد. حتماً روی دو پا بلند می‌شود و در سفیدی برف به چیزی چشم می‌دوزد و آن وقت پارس می‌کند. کاش محسن هم می‌توانست یک قراضه‌ای بگیرد که گاه‌وبی‌گاه بزند بیرون. علتش این است که نمی‌توانند پولشان را جمع کنند، همه‌اش خرت‌وپرت می‌خرند و آخرش هم هیچ‌چیز ندارند. تقصیر کسی نیست. روزگار نکبتی شده، آن قدر که آدم دلش می‌خواهد مدام به خاطره‌های چنگ بیندازد و آنجاها دنبال چیزی بگردد. یاد بچگی‌ها و سایه بعدازظهر و توت‌های کال روی آجر فرش و صدای نامفهوم دوره‌گردها، انگار خواب بوده و حسرتش حالا به بزرگی یک حشره چسبیده روی سینه آدم می‌ماند. یاد پنجره‌ای که باد مدام بازش می‌کرد، یاد اسکناس‌های کوچولو، یاد پدربزرگی که معلوم نشد کی مرد ...».

جدول (۹). عناصر جهان‌ساز پاراگراف اول داستان آرامش قشنگ (معروفی، ۱۳۸۲: ۹-۲۲)

عناصر جهان‌ساز بند ابتدایی داستان آرامش قشنگ

زمان: حال، گذشته، افعال و جهی

مکان: گاراژ، خانه، راهرو

ابژه: خرت‌وپرت، توت، آجر، حشره، پنجره، اسکناس، بسته پوشک.

مشارکان: او، سگ، محسن، آدم، آن‌ها، پدربزرگ، باد

جدول (۱۰). گزاره‌های نقش گستر بند ابتدایی داستان آرامش قشنگ (معروفی، ۱۳۸۲: ۹-۲۲)

گزاره‌های نقش گستر

او ← آرامش خانه را دوست دارد.



به راهرو رسید، چادر را به گوشه‌ای پرت کرد، پوشک را گذاشت.

سگ



روی دو پا بلند می‌شود، به چیزی چشم می‌دوزد، پارس می‌کند.

آن‌ها ← نمی‌توانند پولشان را جمع کنند



خرت و پرت می‌خرند، هیچ چیز ندارند، بزند بیرون

محسن



بسته پوشک را ببیند، می‌توانست یک قرضه‌ای بگیرد.

آدم ← دلش می‌خواهد به خاطراتش چنگ بیندازد، یادها روی سینه‌اش می‌ماند، صدای سگ به مغزش هجوم می‌آورد



دنبال چیزی بگردد

پدر بزرگ ← معلوم نشد کی مُرد



مُرد

باد

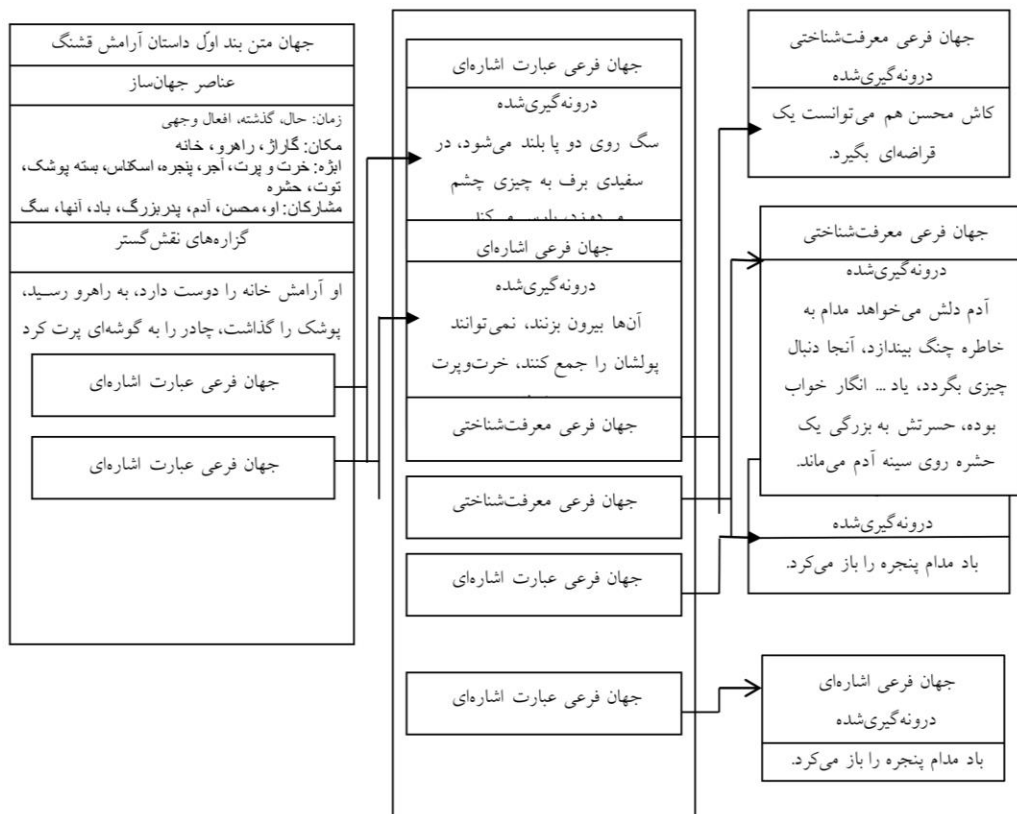


مدام پنجره را باز می‌کرد

باتوجه به جدول عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش گستر بند ابتدایی داستان آرامش قشنگ این‌گونه دریافت می‌شود که زمان مدام بین حال و گذشته در حال تغییر است و افعال و جهی متعددی به کار برده شده‌اند. مشارک غالب که بیشترین نقش را داشته است، «او» بوده و البته تنها مشارک نبوده و مشارکان دیگر مثل «آن‌ها» هم نقش مهمی در پیشبرد پی‌رنگ داشته‌اند. در مورد گزاره‌های نقش گستر، میزان گزاره‌های کنشی-رویدادی با کارکرد پی‌رنگ گستر مانند: «محسن بسته پوشک را ببیند» یا «آن‌ها خرت و پرت می‌خرند» یا «او چادر را به گوشه‌ای پرت کرد» از گزاره‌های حالت-توصیفی که کارکردشان شخص گستر است، بیشتر به چشم می‌خورند. برای نمونه، در جمله «آدم دلش می‌خواهد به خاطراتش چنگ بیندازد» گزاره از نوع وصفی است و کارکرد شخص گستر دارد. همچنین، گزاره نقش گستر در جمله «چقدر آرامش خانه را دوست دارد» از نوع حالت و کارکردش شخص گستر

است. به بیان دیگر، در خدمت گسترش نقش شخصیت و احساس و حالات او به کار گرفته شده است.

جدول (۱۱). جهان‌های فرعی بند نخست داستان آرامش قشنگ (معروفی، ۱۳۸۲: ۹-۲۲)



مطابق جدول ۱۱، جهان‌های فرعی یا زیرشمول پاراگراف ابتدایی داستان آرامش قشنگ به نظر می‌رسد که جهان اصلی این بند باتوجه به گزاره‌های کنشی-رویدادی مانند: «او به راهرو رسید» یا «او چادر را به گوشه‌ای پرت کرد» در خدمت کارکرد پی‌رنگ‌گستر هستند. البته به یک گزاره حالت در جمله «آرامش خانه را دوست دارد» اشاره‌ای شده است که نمایانگر کارکرد شخص‌گستر این گزاره در جهان متن اصلی این بند است. سپس اولین جهان فرعی درونه‌گیری شده در بند اول با تغییر شخص از ضمیر «او» به اسم «سگ» شکل می‌گیرد. جهان فرعی بعدی که به موازات این جهان فرعی انگیخته شده است، در واقع شباهت زیادی با جهان متن اصلی این بند دارد و از نوع عبارت اشاره‌ای فرض شده، زیرا با تغییر شخص و فعل از سوم شخص مفرد به جمع شکل گرفته است که خود چهار جهان فرعی دیگر را آن‌گونه که در جدول نام‌برده دیده می‌شود، شامل می‌شود. برای نمونه، نخستین جهان فرعی درونه‌گیری شده از نوع وجه‌نمای معرفت‌شناختی است که با جمله «آدم دلش می‌خواهد مدام به خاطره‌هایش چنگ بیندازد» انگیخته شده است. وجود چهار جهان زیرشمول در این جهان فرعی در واقع

با عنصر زمان و کاربرد افعال وجهی در عناصر جهان‌ساز متن اصلی همسان است. درصد فراوانی گزاره‌های نقش‌گستر و انواع جهان‌های فرعی داستان نام‌برده به‌صورت کامل یعنی با بررسی و تحلیل جهان متن کل داستان آرامش قشنگ در جدول زیر به‌دست داده شده است.

جدول (۱۲). درصد فراوانی داستان آرامش قشنگ

جهان‌های زیرشمول یا فرعی		گزاره‌های نقش‌گستر		
معرفت‌شناختی	نگرشی	عبارت اشاره‌ای	حالت - توصیفی	کنشی - رویدادی
٪۶/۸۹	٪۶/۸۹	٪۱۳/۷	٪۲۰/۶۸	٪۵۱/۷۲

نظر به تحلیل نتایج، جدول‌ها و عناصر جهان متن سه داستان آرامش قشنگ، دخمه‌ای برای سمور آبی و عشق روی پیاده‌رو در سبک سیال ذهن، این‌گونه برداشت می‌شود که میزان گزاره‌های نقش‌گستر کنش-رویدادی که در واقع پی‌رنگ‌گستر هستند، بیشتر از گزاره‌های دیگر است و تمایل بیشتری به بازنمایی جهان متن از طریق مکان‌های نامعلوم و اشخاص در زمانی نامعین وجود دارد. همچنین، پرش زمانی یعنی زمان داستان تابع زمان خطی رایج نیست و ممکن است گذشته و آینده و حال، همسطح و درکنار یکدیگر حضور داشته باشند یا گاه در همدیگر تنیده و پیچیده شوند. علاوه‌براین، استفاده از افعال وجهی و ضمائر به‌جای اسامی خاص و همین‌طور مکان‌های نامشخص بیشتر به‌چشم می‌خورد و با تغییر بین اول شخص و سوم شخص به‌لحاظ زمان و شخص و افعال بیشتر تأکید بر سیالیت ذهن نویسنده و افکار اوست که اغلب به‌طور کامل مانند آنچه در سبک روایی وجود داشت، شکل نمی‌گیرد و گویی در میانه تغییر مسیر می‌دهند یا توسط یک فکر دیگر قطع می‌شوند. درخصوص جهان‌های فرعی در داستان‌های سیال ذهن بیشتر نوع عبارت اشاره‌ای نسبت به جهان‌های فرعی نگرشی و معرفت‌شناختی مشاهده می‌شود. به‌عبارتی، نویسنده با به‌کارگیری این جهان‌های فرعی اشاره‌ای خواننده را به گوش دادن به افکار یک شخصیت نامعلوم سوق می‌دهد که این امر خود گواهی بر سبک سیال ذهن این سه داستان است. میانگین درصد فراوانی گزاره‌های نقش‌گستر و انواع جهان‌های فرعی سه داستان در سبک سیال ذهن به‌گونه‌ای است که در جدول زیر به‌دست داده شده است.

جدول (۱۳). میانگین درصد فراوانی سه داستان در سبک سیال ذهن

جهان‌های زیرشمول یا فرعی		گزاره‌های نقش‌گستر		
معرفت‌شناختی	نگرشی	عبارت اشاره‌ای	حالت-توصیفی	کنشی-رویدادی
٪۹/۵۶	٪۶/۵۳	٪۱۸/۰۲	٪۲۰/۶	٪۴۸/۴

۶- نتیجه‌گیری

این مقاله توصیفی-تحلیلی، بررسی داستان‌هایی در سبک روایی سیال ذهن براساس نظریه شناختی جهان متن را ارائه می‌دهد. تحلیل نتایج پژوهش در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در بخش قبل چگونگی عملکرد سازه‌ها و

مفاهیم نظریه در قالب جدول‌های مربوطه نشان داده شد؛ اما از نظر بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، فارغ از سبک شخصی نویسندگان در کاربرست واژگان، می‌توان گفت هر سه داستان از انواع گوناگون عناصر جهان‌ساز در بازنمایی روایت بهره می‌گیرند و راوی در فضا سازی روایت مرتب از عناصر زمان و مکان استفاده می‌کند و با تغییر مداوم بین زمان‌های متفاوت و جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر و حتی تغییر وجوه فعل، مرتب ذهن خواننده را با خود از این سو به آن سو می‌کشاند.

به روشنی مشاهده می‌شود که گزاره‌های کنش-رویدادی در گسترش پی‌رنگ داستان‌ها نقش عمده‌ای دارند (۴۸٪) و نیز جهان‌های فرعی غالباً از نوع اشاره‌ای (۱۸/۰۲) نسبت به نوع نگرشی و معرفت‌شناختی در تقویت جهان متن آن‌ها کاربرد داشته‌اند. گویی سازه‌ها و عناصر نظریه جهان متن فضاهای متنی گفتمان سیال ذهن ادبی و حرکت میان لایه‌های مختلف جهان‌های متن را از این طریق ممکن می‌سازد و تأییدی است بر اینکه روایت این داستان‌ها با به‌کارگیری شیوه‌های تک‌گویی مستقیم و غیرمستقیم و دانای کل و حدیث نفس، زبان داستان را به زبان ذهن نزدیک می‌کند.

مبنی بر یافته‌های پژوهش، نظریه جهان متن، چارچوبی دقیق و علمی برای تبیین روشمند است که از توصیف‌های سلیقه‌ای و پراکنده در تحلیل سبک‌های مختلف داستان‌نویسی فارسی دور است و به دلیل مجهز بودن به ابزار توصیفی دقیق مانند جدول‌ها و نمودارهای متفاوت جهت نمایش و توضیح عناصر مختلف در چنین تحلیل‌هایی واجد کارایی است. با در نظر گرفتن این امر که نظریه جهان متن، چارچوبی شناختی دارد و کارایی بسزایی در تحلیل متون داستانی متفاوت به لحاظ سبکی و خوانشی داشته است؛ به‌کارگیری نتایج پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند در آموزش شیوه‌های سبک‌شناسی به دانشجویان ادبیات و زبان‌شناسی کارآمد باشد و روشی جدید و یک‌دست که مبتنی بر دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی است، برای سبک‌شناسی و تحلیل متن ارائه دهد.

منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۹۵). تحلیل داستان در نظریه جهان‌های متن: مطالعه موردی وداع اثر جلال آل احمد. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۲(۲۳)، ۱۷-۳۸.
- افراشی، آریتا؛ نعیمی حشکویایی، فاطمه (۱۳۸۹). تحلیل متون داستانی کودک با رویکرد شعرشناسی شناختی. *زبان‌شناخت*، ۱(۲)، ۱-۲۵.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۹۰). نظریه سبک در ایران (روش‌های سبک‌شناسی). *بهار ادب*، ۴(۲)، ۱-۲۰.
- بهنام‌فر، محمد؛ غریب، مصطفی (۱۳۹۶). تطبیق غزلی از مولانا با غزلی از سنایی براساس مؤلفه‌های چاپ اسطوره‌شناختی. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ۱۳(۴۷)، ۱۳-۲۷.
- حیاتی، زهرا؛ باروتی اردستانی، ساناز؛ اصغری جعفری، هدی (۱۳۹۳). مقایسه مطالعات سبک‌شناسی و نقد ادبی

در ایران با تأکید بر دو مجله علمی پژوهشی نقد ادبی و بهار ادب در سال ۱۳۸۹. *نقد ادبی*، ۷(۲۵)، ۷-۴۰.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۵). شعر در ایران پیش از اسلام (سبک‌ها و جریان‌های ادبی). *نامه فرهنگستان*، پاییز (۷)، ۶۰-۶۱.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵). *شاعری در هجوم منتقدان: نقد ادبی در سبک هنری پیرامون شعر حزین لاهیجی*. تهران: آگه.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). *سبک‌شناسی*. تهران: دانشگاه پیام نور.

عبادیان، محمود؛ آراسته‌خو، محمد؛ امیرفجر، میثاق (۱۳۷۲). *رمان و رمان نو. ادبیات داستانی و انقلاب اسلامی*، ۲(۱۶)، ۲۱-۴۰.

فتوحی، محمود (۱۳۸۸). *سبک‌شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی سازی زبان*. متن پژوهی ادبی، پاییز (۴۱)، ۲۳-۴۰.

کاظمی، فروغ؛ بیرون راه، بهناز (۱۳۹۹). *شیوه‌های معناپردازی در تصویر و کلام بیلبردهای تبلیغاتی با رویکردی نقش‌گرا*. *جستارهای زبانی*، ۳(۱۱)، ۱-۲۹.

گلشیری، هوشنگ (۱۳۸۰). *نیمه تاریک ماه*. تهران: نیلوفر.

گلفام، ارسلان؛ روشن، بلقیس؛ شیررضا، فرزانه (۱۳۹۳). کاربرد نظریه جهان‌های متن در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده احتجاب بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی. *جستارهای زبانی*، ۵(۵)، ۵-۱۸۳-۲۰۶.

مستور، مصطفی (۱۳۹۰). *عشق روی پیاده‌رو*. تهران: چشمه.

معروفی، عباس (۱۳۸۲). *دریاوندگان جزیره آبی‌تر*. تهران: ققنوس.

یوسفیان کناری، محمدجعفر؛ قلی‌پور، زهره (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی زاویه دید روایی و جهان‌های ممکن در ادبیات داستانی و نمایشی ایران؛ رویکردی زبان‌شناختی نمونه‌های مطالعاتی: *داستان حزن‌شکن عدن و نمایشنامه سپنج رنج و شکنج*. *جستارهای زبانی*، ۷(۵)، ۱۲۹-۲۶۷.

References

- Afrashi, A. (2016). Story analysis in the theory of text worlds: A case study of Farewell by Jalal Al Ahmed. *Language and Linguistics*, 12(23), (17-38) (In Persian).
- Afrashi, A., & Hashkvaee, F. (2014). Analysis of children's story text on the basis of cognitive poetic. *Zabanshenakht*, 1(2), 1-25 (In Persian).
- Baraheni, R. (1965). Surrealism, Rimbaud & Freud. *Persian Language and Literature*, summer (74), 221-240 (In Persian).
- Behnamfar, M., & Gharib, M. (2017). Comparison of a Ghazal by Rumi with a Ghazal by Sanai based on the elements of mythological and cognitive printing. *Mytho-Mystic*

- Literature*, 13(47), 13-27 (In Persian).
- Browse, S. (2008). This is not the end of the world: Situating metaphor in the text-worlds off the 2008 British Financial Crisis. In J. Gavins & E. Lahey (Eds.), *World Building: Discourse in the Mind* (Advances in Stylistics, pp. 183–202). London: Bloomsbury academic.
- Ebadian, M., Arastekhu, M., & Amirfajr, M. (1993). Novels and new novels, *Adabiat va enghelab eslami*, (13) (In Persian).
- Fotuhi, M. (2009). Literary stylistics, the nature of literary speech, prominence and personalization of language. *Literary Text Research*, fall (41), 23-40 (In Persian).
- Gavins, J. (2000). Absurd tricks with bicycles frames in the text world of the third policeman, *Nottingham linguistic circular* 15.
- Gavins, J. (2001). *Text world theory: A critical exposition and development in relation to absurd prose fiction*. Ph.D. Thesis, Sheffield Hallam university.
- Gavins, J. (2003). *Cognitive poetics in practice*. London: Routledge
- Gavins, J. (2005). Rethinking modality: A text-world perspective. *Journal of Literary Semantics*, 34(2), 79-93.
- Gavins, J. (2007). *Text world theory: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Gibbons, A. (2016). Building Hollywood in Paddington: Text world theory, immersive theatre, and punch drunk's the drowned man. In J. Gavins & E. Lahey (Eds.), *World Building: Discourse in the Mind* (pp. 71-89). London: Bloomsbury.
- Giovanelli, M. (2013). *Text world theory and Keats' poetry: The cognitive poetics of desire, dreams and nightmares*. London: Bloomsbury academic.
- Golfam, A., Roshan, B., & Shirreza, F. (2016). The application of the theory of text worlds in identifying the constituent elements of the narrative text of the story of Prince Ihtjab based on the cognitive poetics approach. *Language Related Research*, 5(5), 183-206 (In Persian).
- Golshiri, H. (2002). *Dark half of the moon*. Tehran: Niloufar (In Persian).
- Halliday, M.A.K., & Matthiessen, C.M.I. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Routledge.
- Hayati, Z., Barooti, S., Asghari, H. (2014). Comparing the studies of stylistics and literary criticism in Iran with an emphasis on two scientific research journals. literary criticism and Bahar adab in 2009. *Literary criticism*. 7(25), 7-40 (In Persian).
- Iranzade, N. (2011). Theory of stylistic in Iran (stylistic methods). *BAHAR-E-ADAB*, 4(2), 1-20 (In Persian).
- James, W. (1890). *The principles of psychology*. New York: Henry hold and company.
- Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kazemi, F., & Birunrah, B. (2020). Methods of making meaning in the image and words of advertising billboards with a role-oriented approach. *Language Related Research*, 11(3), 1-29 (In Persian).
- Khatibi, A. (1996). Poetry in Iran before Islam (literary styles and currents). *Name Farhangestan*, fall (7) (In Persian).
- Lahey, E. (2014). Author-character ethos in Dan brown's Langdon-series novels. In J.

- Gavins & E. Lahey (Eds.), *World-Building: Discourse in the Mind* (pp. 33-51). London: Bloomsbury.
- Ma'aroufi, A. (2003). *Mariners of the bluer island*. Tehran: Ghoghnoos (In Persian).
- Mastour, M. (2011). *Love on the sidewalk*. Tehran: Cheshme (In Persian).
- Scott, J. (2015). *Worlds from words: Theories of world-building as creative writing toolbox*. In J. Gavins & E. Lahey (Eds.), *World Building: Discourse in the Mind*. London: Bloomsbury.
- Shafiee kadkani, M. (1996). *A poet in the attack of critics: Literary criticism in Indian stylistic about Hazin Lahij poetry*. Tehran: Agah (In Persian).
- Shamisa, S. (1992). *Stylistic*. Tehran: Payame Noor University (In Persian).
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive poetics: An introduction*. London: Routledge.
- Van der Bom, I. (2015). *Speaker enactors in oral narrative*. London: Bloomsbury academic.
- Werth, P. (1999). *Text worlds: Representing conceptual space in discourse*. Harlow: Longman.
- Whitely, s. (2011). Text world theory, real readers and emotional responses to the remains of the day. *Language and Literature*, 20, 23-42.
- Whitely, s. (2016). Building resonant worlds: Experiencing the text worlds of the unconsolated. In J. Gavins & E. Lahey (Ed.), *World Building: Discourse in the Mind* (pp. 165-182). Bloomsbury.
- Yousefian kenari, M.J., & Gholipour, Z. (2017). A comparative study of the narrative point of view and possible worlds in Iranian fiction and dramatic literature; A linguistic approach the case studies: The short story Snail Cracker of Eden and the play of Hovel of Trauma Agony. *Language Related Research*, 7(5), 129-267 (In Persian).

